روزنامه شرق

سیاست

تاکتیک دوگانه ایران با «۱+۵» و آژانس — صفحه ۸

روش تیم مذاکره‌کننده، ابزار به نتیجه‌رسیدن مذاکرات است — صفحه ۹

روزنامه — صفحه ۱۰

عکس: Gettyimages

تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، چه مراحلی را پشت‌سر گذاشته است؟

۱۰ ماه پرتلاطم

زینب اسماعیلی

هشت‌سال در مقابل ۱۰ماه؛ بیراه نیست اگر بگویید بازه زمانی منطقی برای کنار هم قراردادن نیست، اما این یکی از موارد عجیبی است که می‌توان در مقابل هم گذاشت و نتایج آن را با هم مقایسه کرد. هشت‌سال مذاکره یعنی دوره ریاست علی لاریجانی و سعید جلیلی بر مذاکرات هسته‌ای و اکنون که ۱۰ماه است از عمر مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم می‌گذرد؛ از اکتبر ۲۰۱۳ تا جولای ۲۰۱۴.

لاریجانی؛ ادامه مذاکره بدون نتیجه

تنها یک کد کافی است که بخواهیم این دو دوره را در مقیاس با هم بسنجیم؛ نتیجه. هشت‌سال مذاکره بدون داشتن حتی یک دستاورد کوچک، مذاکرات هسته‌ای با کشورهای بزرگ دنیا در حال انجام بود، از ابتدای منصوب‌شدن علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورایعالی امنیت ملی که هدایت مذاکرات هسته‌ای نیز در ذیل وظایفش قرار می‌گرفت، پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت انتقال یافت و حالا مذاکره‌کنندگان ایرانی باید با گروه ۱+۵ (آمریکا، انگلستان، روسیه، چین، فرانسه و آلمان) مذاکره می‌کردند. اما از دوسال ریاست علی لاریجانی بر مذاکرات هسته‌ای تنها چیزی که می‌دانیم براساس سخنان علی‌اکبر ولایتی در سومین مناظره انتخاباتی ریاست‌جمهوری است، یعنی شش‌سال بعد از استعفای علی لاریجانی از کسوت دبیری شورایعالی امنیت ملی. علی‌اکبر ولایتی آن‌روز در استودیوی صداوسیما، اطلاعاتی از مذاکرات هسته‌ای در یک‌دهه گذشته را فاش کرد، که در مجموع در کسب رای حسن روحانی تاثیر زیادی گذاشت. «آقای لاریجانی در حال رسیدن به توافق با آقای سولانا بود که خبر رسید شخصی در نمازجمعه روز قدس گفته که ایران هیچ مذاکره‌ای با اروپا ندارد و این چنین شد که مذاکرات ناکام ماند و لاریجانی به کشور بازگشت» شخصی که در نمازجمعه صحبت کرده بود، محمود احمدی‌نژاد، رییس دولت وقت بود در روز قدس. پیش از این ماجرا هم بین علی لاریجانی و محمود احمدی‌نژاد اختلافات زیادی بود، که در نهایت موجب استعفای او از دبیری شورا و انتصاب سعید جلیلی شد. همین‌ها موجب شد که دوسال مذاکره با ریاست علی لاریجانی رهیافتی در داخل کشور نداشت، اگرچه بهتر است در قضاوتی عادلانه این را هم بگوییم که تحریمی هم علیه تهران وضع نشد.

اما نکته مهم اینجاست که اخبار و اطلاعات منتشرشده از دوره ریاست علی لاریجانی بر مذاکرات هسته‌ای نشان نمی‌دهد که در اتاق مذاکرات چه می‌گذرد، موضوعات اختلافی چه بود و آیا طرفین دنبال توافق بودند یا نه. از همین‌رو بیراه نیست اگر این شنیده را جدی بگیریم که مذاکرات در دوران آقای لاریجانی فقط قرار بود ادامه پیدا کند تا متوقف نشود در عین‌حال برخی فعالیت‌های هسته‌ای در داخل کشور نیز بدون ایجاد حساسیت ادامه پیدا کند.

دومین مرد هسته‌ای دهه

سعید جلیلی دومین مرد مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در یک‌دهه گذشته است. مردی خجالتی و درون‌گرا که شاید همین ویژگی‌های شخصیتی او می‌تواند تکلیف مذاکرات هسته‌ای در شش‌سالی که او ریاستش را برعهده گرفت، مشخص کند. شش‌سال مذاکره بدون هیچ توافقی که بسیاری به شوخی می‌گفتند تنها دستاورد این مذاکرات تعیین دور بعدی مذاکرات است که البته توافق بر سر زمان و مکان دور بعدی مذاکرات هم در موارد بسیاری، با مشکل مواجه می‌شد. تیتر اخبار پیش از مذاکرات بر محور این بود که «امیدی به این دور مذاکرات نیست» و بعد از مذاکرات هم اخبار بر این محور ادامه می‌یافت «مذاکرات ناامیدکننده بود.» مذاکرات در این دور آنقدر در بی‌خبری پیش می‌رفت که سوژه داغ رسانه‌ها یا گمانه‌زنی بود از پیشنهادهای روی میز یا تحلیل لباس‌های کاترین اشتون و پوشیده‌کردن لباس‌هایش با فتوشاپ. آنقدر که موجب تغییر در انتخاب لباس او شد. رسانه‌های داخلی در این دور عملا خبری از مذاکرات نداشتند و عمدتا منابع رسانه‌ای غربی بود که حتی پیشنهادات تهران را رسانه‌ای می‌کرد.

سعید جلیلی اولین‌بار ۲۹تیر ۱۳۸۷در کنفرانس ژنو۱، مقابل خاویر سولانا به‌عنوان مسوول مذاکرات با ایران در گروه ۱+۵ بر سر مساله هسته‌ای ایران و نمایندگان شش‌کشور مذاکره‌کننده بر سر پرونده هسته‌ای قرار گرفت. او پس از ۹ماه دبیری شورا، همان‌روزها، به‌عنوان نماینده مقام‌معظم‌رهبری در شورایعالی امنیت ملی هم منصوب شده بود و باید مذاکرات هسته‌ای را هم به پیش می‌برد. فشار بر ایران مبنی بر تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای‌اش شدت یافته بود، همان‌طور که ۱+۵ دنبال تضمینی از ایران بود که اثبات کند برنامه هسته‌ای ایران، صلح‌آمیز است. علی لاریجانی استعفا داده بود اما در ایتالیا و آلمان، سعید جلیلی را همراهی کرد، روایت سعید جلیلی دبیر وقت شورایعالی امنیت ملی از مذاکره در ایتالیا این است «آقای لاریجانی این مذاکرات را هدایت می‌کردند و بنده نیز در آنجا حضور داشته و آقای سولانا با ما صحبت می‌کردند.»

ناامیدکننده و در حال خرید زمان

در سفر بعدی به مقصد پاریس، جلیلی که گویا دیگر فوت و فن کار را یاد گرفته بود، به تنهایی عازم محل مذاکره شد. اما نتیجه سفر به پاریس و مذاکرات او با خاویر سولانا به گفته مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا «ناامیدکننده» بود. همان‌طور که این کلمه بارها و بارها در رسانه‌ها بعد از مذاکرات بازنشر یافت. خاویر سولانا بارها در گفت‌وگوهایی سعید جلیلی را «فقط یک پیغام‌آور» توصیف می‌کرد. راه دوری نرویم، تیتر رسانه‌ها در آن‌زمان به‌نقل از خاویر سولانا اینها بود «جلیلی توان و اختیاری برای مذاکره ندارد- سعید جلیلی از ظرفیت لازم برای مذاکره برخوردار نیست- سعید جلیلی اهل نرمش نیست/ منافع غرب اقتضا می‌کند با ایران مذاکره کند.» اینها در مقابل سخنان سعید جلیلی بود از مذاکرات هسته‌ای که می‌گفت «ایران از حقوق مسلم خود نمی‌گذرد، هدف دشمن در مذاکرات هسته‌ای جلوگیری از شکل‌گیری تمدن اسلامی است» همان‌طور که بیانیه‌های پایانی مذاکرات در این دوران هم، پر از کلمات کلی و مبهمی بود که اطلاعاتی از آنچه در مذاکره می‌گذشت، نمی‌داد. در تمام آن‌سال‌ها، ایران در تریبون‌های غربی متهم بود که در حال خرید زمان و بالابردن توان هسته‌ای خود است. همین سیکل معیوب موجب افزایش تحریم‌ها می‌شد. گفته می‌شود جلیلی در مذاکراتش با سولانا، تعهدات دبیر سابق شورایعالی امنیت را نپذیرفت و همین امر موضوع مذاکرات را پیچیده‌تر کرد. این مسیر روز به روز، پیچیده‌تر شد و فشارهای بین‌المللی و صدور قطعنامه‌های جدید با تحریم‌های تازه شورای امنیت، اقتصاد کشور را روزبه‌روز آسیب‌پذیر کرد.

مذاکره با اشتون با بیانیه‌های کلی

سعید جلیلی بعد از پایان دوران مسوولیت سولانا در سمت نماینده عالی سیاست امنیتی و خارجی مشترک اتحادیه اروپا با کاترین اشتون مذاکرات را ادامه داد، با بیانیه‌هایی کلی در پایان مذاکرات که هر طرف از موضع خود حرفی را اعلام می‌کردند، ۱+۵ دنبال کوتاه‌آمدن تهران بود و سعید جلیلی دنبال مقاومت و کوتاه‌آمدن غرب در مقابل ایران. یکی از متن‌های پیشنهادی جلیلی که زمان انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم بارها باز نشر می‌شد نشان می‌داد که جلیلی دنبال مدیریت جهان و استقرار صلح جهانی در مذاکرات نیز بوده است. البته همان زمان نهادهایی هم بودند که مذاکرات هسته‌ای سعید جلیلی را اینگونه توصیف می‌کردند «آنچه امروز صحبت از این دیپلمات جوان و متعهد انقلاب را بر سر زبان‌ها انداخته است اداره هوشمندانه، مقتدرانه و متعهدانه پرونده هسته‌ای و نحوه مذاکره او و تیم همراهش در مواجهه با کشورهای ۱+۵ است. بی‌شک سعید جلیلی یکی از رویش‌های ارزشمند انقلاب اسلامی در عرصه دیپلماسی کشور است.» تفکری که توانست برای سعید جلیلی در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم نیز چهارمیلیون رای جمع کند. رفته‌رفته وخامت مذاکرات به اینجا رسید که امکان دستیابی به توافق «بعید» دانسته می‌شد. همان‌طور که در واقع نیز اینگونه شد و شش‌سال مذاکرات سعید جلیلی با اعضای ۱+۵ در ژنو، پاریس، استانبول، بغداد، آلماتی و... بی‌نتیجه به پایان رسید.

چندسال، یک‌قدم پیش نرفته‌اید

روایت علی‌اکبر ولایتی در مناظره‌های انتخاباتی سال گذشته، اندکی از مذاکرات دوران جلیلی به ما اطلاعات می‌دهد: «در آخرین دوری که در آلماتی آقای دکتر جلیلی مذاکره داشت، آنها پیشنهادهایی به ایران کردند که بر اساس آن می‌شد کارها را مقداری جلو ببریم و آن پیشنهاد این بود که طرف مقابل ۱+۵ گفت غنی‌سازی ۲۰درصد را متوقف کنید و در کارهای فردو هم مقداری کندی ایجاد شود. آنها اعلام کردند این سه تحریم را برمی‌داریم و ما در پاسخ گفتیم که این کار را می‌کنیم، شما کل تحریم‌ها را بردارید، به شهادت معاون امور خارجه که در جلسه بوده است این مسایل را مطرح می‌کنم... جناب آقای جلیلی، بحث دیپلماسی کلاس فلسفه نیست که شما بروید آنجا بگویید منطق ما قوی بود و آنها هم محکوم شدند. آنچه مردم می‌بینند این است که شما چند سال مسوول هسته‌ای هستید یک قدم پیش نرفته‌اید و هر روز تحریم‌ها بیشتر شده است و فشارش بر مردم می‌آید... وقتی طرف مقابل حاضر است چند قدم بردارد، باید ما هم انعطاف داشته باشیم و هنر دیپلماسی این است که از این فرصت‌ها استفاده کنیم و اصولگرایی به این معنی است که انعطاف‌پذیر هم باشد، دیپلماسی فقط خشونت و سرسختی نشان دادن نیست... دیپلماسی به معنی تعامل و معامله است و با همه کشورها و آنهایی که مذاکره می‌کنیم باید بسیار خوب عمل کنیم و می‌شود در مذاکرات هسته‌ای بهتر از این عمل کرد و اگر این روند موفق بود این مشکلات پیش نمی‌آمد و وضع به اینجا نمی‌رسید.» علی‌اکبر ولایتی آن‌روز اطلاعاتی برای ثبت در حافظه تاریخی ایرانیان اعلام کرد؛ اطلاعاتی که می‌توان بر مبنای آن نتیجه گرفت که چرا شش‌سال مذاکره سعید جلیلی بی‌حاصل بود.

ارتقای سطح مذاکره

اکنون ۱۰ماه است که محمدجواد ظریف، سرپرستی مذاکرات هسته‌ای را به دستور رییس‌جمهوری برعهده گرفته است. یک دور مذاکره در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل بین وزرای خارجه ایران و ۱+۵ دو نتیجه بزرگ داشت؛ مذاکرات هسته‌ای که به دنبال نامزدی سعید جلیلی در انتخابات ریاست‌جمهوری برای شش‌ماه متوقف شده‌بود از اواخر مهرماه (اکتبر) از سر گرفته شد. نمایندگان ۱+۵ نیز تمایل داشتند مذاکرات را با دولت جدید از سر بگیرند که با شعار «باید سانتریفیوژها بچرخد اما زندگی مردم هم باید بچرخد»، رای آورده‌بود. نتیجه دوم این بود؛ مذاکراتی که در دوران پیش در سطح کارشناسان و معاونان وزرای خارجه متوقف شده‌بود، دوباره به سطح وزرای خارجه ارتقا یافت؛ موضوعی که خود به‌خود موجب می‌شد سطح تصمیم‌گیری کلان‌تر و به نوعی آسان‌تر شود. در تعیین مکان، مقرهای سازمان ملل ملاک قرار گرفتند و اولین میزبان، مقر اروپایی سازمان ملل، شهر بارانی ژنو بود. مذاکره‌کنندگان ایرانی با یک طرح پیشنهادی پای میز مذاکره رفتند. سیدحسین موسویان، سخنگوی تیم مذاکره‌کننده اسبق چندی پیش به «شرق» گفت که این طرح همان پیشنهادی بود که ایران سال ۸۴ روی میز مذاکره گذاشته بود، یعنی همان زمانی که دبیر شورایعالی امنیت ملی، حسن روحانی بود و جواد ظریف و حسین موسویان در تیم مذاکره‌کننده حضور داشتند. عزم مذاکره‌کنندگان هم این بود که تصویر ۱+۵ از مذاکره با ایران را تغییر دهند. تصویری که معتقد بود ایرانی‌ها اهل چانه‌زنی هستند و در نهایت می‌توان کالایی که می‌فروشند را به قیمت ارزان‌تری از آنها گرفت. پیش از وین۶ نیز محمد جواد ظریف در کلیپی تلویحا اعلام کرد او کسی نیست که در فرصت آخر چانه‌زنی قیمت را کم کند.

توافق ژنو، گام رسیدن به توافق نهایی

باورکردنی نبود که مذاکرات ژنو با چنان سرعتی به پیش رفت که در دومین دور آن، وزرای خارجه همه کشورهای ۱+۵ (غیر از چین که در سطح معاون وزیر حضور داشت) به ژنو آمدند. اگرچه آن دور مذاکره با مخالف‌خوانی لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه، به توافق منجر نشد اما وزرا با فاصله کوتاهی دوباره به ژنو بازگشتند و این‌بار نیمه‌شب سوم آذر (۲۴نوامبر) به توافقی شش‌ماهه دست یافتند. این توافق ۱+۵ را متعهد می‌کرد که «قطعنامه تحریمی جدیدی توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و کنگره آمریکا» صادر نشود. همچنین «تحریم صادرات صنعت پتروشیمی ایران، طلا و فلزات گرانبها، صنعت خودرو، نصب قطعات یدکی و ایمنی پروازهای غیرنظامی ایران و خدمات مرتبط با آن» نیز لغو شود. همچنین «تلاش برای کاهش خرید نفت‌خام ایران» نیز از سوی کشورهای مذاکره‌کننده متوقف شد. برمبنای این توافق ایران به ۴/۲میلیارددلار از اموال بلوکه‌شده خود دست پیدا کرد. همچنین این توافق پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور تا مبلغ توافق‌شده برای یک دوره شش‌ماهه را متعهد شده است. در مقابل اینها ایران غنی‌سازی ۲۰درصد و همچنین به مدت شش‌ماه تزریق سوخت به رآکتور اراک را نیز متوقف کرد. همچنین اورانیوم غنی‌شده ۲۰درصد خود را به پنج‌درصد (ابتدا اکسید بعد سوخت) تبدیل کرد. اگرچه اکنون شش‌ماه از این توافق گذشته و در مذاکرات وین۶، توافق ژنو و تعهدات طرفین برای چهارماه دیگر تمدید شده اما نکته مهم اینجاست که برنامه اقدام مشترک (منسوب به توافق ژنو) برای دستیابی به توافق جامع نیز راهبرد داده است. در متن توافق آمده است: «هدف این مذاکرات، رسیدن به یک راه‌حل جامع مورد توافق و بلندمدت است- این راه‌حل جامع متضمن یک برنامه غنی‌سازی با تعریف مشترک و محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف‌ساز به‌منظور تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای است- این راه‌حل شامل یک فرآیند متقابل و قدم‌به‌قدم است و به رفع همه‌جانبه تمامی تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.» هدف از این مذاکرات علاوه بر رفع همه تحریم‌ها، پیداکردن یک وجهه صلح‌آمیز برای برنامه هسته‌ای ایران است علاوه‌بر آنکه فناوری دست‌یافته‌شده در این علم نیز بومی شده و حق تحقیق و توسعه در این زمینه نیز برای ایران محفوظ خواهد ماند.

گزارش بی‌سابقه آژانس

اکنون شش‌دور مذاکره برای دستیابی به توافق جامع در وین، مقر اروپایی سازمان‌ملل و محل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام گرفته است. هم‌عرض مذاکرات فنی و سیاسی هسته‌ای، مذاکرات سازمان انرژی اتمی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز انجام گرفته و برمبنای توافق‌های صورت‌گرفته بین این دو نهاد، تاکنون بازرسی‌های منظم و سرزده از تاسیسات هسته‌ای انجام می‌شود؛ بازرسی‌هایی که در آخرین گزارش آژانس پایبندی ایران به تعهدات خود در قالب توافق ژنو را تایید می‌کند. اما این‌بار فقط آژانس نیست که بر این موضوع تاکید می‌کند، باراک اوباما بعد از دریافت گزارش جان کری، وزیرخارجه‌اش از مذاکراتی که در وین در حال انجام بود، بر تعهدات ایران برمبنای توافق ژنو تاکید کرد.

مذاکرات به‌دنبال دستیابی به توافق

جان کری، وزیرخارجه امریکا نیز هفته گذشته در وین، حاضر شد، سه‌روز در این شهر ماند و چند دور مذاکره فشرده با همتای ایرانی خود داشت. اگرچه این دور از مذاکرات با توافق نهایی به پایان نرسید اما تلاش طرفین برای دستیابی به توافق ملموس بود. کری در نشست خبری خود در مرکز خبرنگاران در وین گفت که «ما در مذاکرات پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم... دو طرف مذاکره در تلاش باتوجه به محدودیت‌هایی که دارند به‌دنبال رسیدن به توافق جامع هستند... تیم مذاکره‌کننده ایالات‌متحده به‌سختی به‌دنبال رسیدن به توافق جامع هستند.» او همچنین گفت که «فتوای رهبر ایران، در مورد حرام‌شمردن سلاح‌هسته‌ای را جدی می‌گیریم و اعلام کرد که ایران حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر اساس ان‌پی‌تی را دارد.» این قطعا همان نقطه‌ای است که مذاکرات هسته‌ای سال‌ها بر سر آن متوقف شده بود.

ادامه در صفحه ۹

دریچه

ایران و آمریکا تلاش برای تفاهم

نصرت‌الله تاجیک*

از مدت‌ها پیش ایران و آمریکا در سطوح عالی سیاسی و دولتی هر یک، دیگری را مورد خطاب قرار می‌داد و توصیه می‌کرد که دیگری باید تصمیم سختی بگیرد. ولی به نظر من در ظرف کنونی تحولات جهانی، تصمیم سخت، اسم قایقی است در اقیانوس متلاطم خاورمیانه که ایران و آمریکا باید شجاعانه و مسوولانه سوار بر آن شوند و تا منطقه ملتهب خاورمیانه روی آرامش به‌خود نگرفته نه‌تنها از آن بیرون نیایند بلکه با یکدیگر برای ازبین‌بردن زمینه‌های سوءظن و بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر گفت‌وگو، همکاری و کمک کنند. نگارنده در قضیه «استرداد» هم نوشتم دولت‌ها باید با یکدیگر مشکلاتشان را حل کنند تا اثرات و عواقب سوء این مشکلات متوجه ضعیف‌ترین حلقه یعنی شهروندانشان نشود. یعنی هر دو کشور باید تصمیمی سخت بگیرند تا نه‌تنها نسل‌های آینده دو کشور بلکه آیندگان منطقه راحت زندگی کنند! نسل کنونی عمر خود را در سوءظنی گذراند که ریشه روانی آن نخوت ابرقدرتی و ریشه سیاسی آن تلاش یک کشور برای تنظیم روابط بین‌المللی و اعمال هنجارهای آن کشور و یا یک بلوک به سایر نقاط دنیا بود. البته روش و سیاست‌های دولت‌های نوپای ایران نیز بدون اشکال و خطا نبوده ولی روزبه‌روز نشان داده که سیاست و حکومت در ایران با خواست مردم پخته‌تر شده است. ولی نسل‌های آینده نباید مجددا بی‌دلیل هزینه‌ای بیش از آنچه پدرانشان پرداخته‌اند را بدهند.

با همه این احوال من معتقدم ایران و غرب در مذاکرات هشت‌ماه گذشته به تفاهم نزدیک شده‌اند ولی چون هنوز زمینه و متن فهم مشترک از یکدیگر فراهم نشده است به سه‌دلیل توافقی صورت نمی‌گیرد: ۱- خطوط قرمز دو طرف از یکدیگر دور است و امکان پرکردن شکاف نیست، ۲- ایران اراده تفاهم دارد ولی غرب از این اراده سوءاستفاده می‌کند و ۳- آمریکا و ایران در دو زمینه متفاوت برای رسیدن به تفاهم تلاش می‌کنند. این امر برای ایران که در «متن امروز» قرار دارد و برای کاهش اثر تحریم‌ها بر مردم و شکوفایی اقتصاد تلاش می‌کند، امری بسیار نیکو است و از دولتی که به فکر مردم باشد جز این انتظار نمی‌رود. اما آمریکا در «متن فردا» فکر می‌کند و به اثرات بعدی هر گونه تفاهم چه خوب و چه بد نگاه می‌کند؛ اثراتی که دیگر آمریکا نمی‌تواند به مدیریت آن بپردازد. ساده بگوییم، سلاح برنده آمریکا تحریم است و اگر ایران و غرب به تفاهم برسند اگرچه در طولانی‌مدت ولی آمریکا ابزار اصلی‌اش در فشار بر ایران را از دست می‌دهد.

بارها نوشته‌ام که مشکل اصلی ایران و غرب مساله هسته‌ای نیست بلکه سیاست خارجی و در راس آن مساله خاورمیانه است و آمریکا به‌ناحق به سیاست خارجی ایران جنبه امنیتی می‌دهد. ایران نیز مانند هر کشور مستقل دیگر منافعی در منطقه و نقاط گوناگون جهان دارد. ایران برای دفاع از کیانش در این دنیای بلبشو و بعد از اینکه یک جنگ هشت‌ساله را از سر گذرانده است نیاز دارد که برای خود در سیاست خارجی اهرم بسازد و هر دو موضوع فوق از ابتدایی‌ترین حقوق ملت دولت‌ها در نظام جدید بین‌الملل است.

ادامه در صفحه ۹

طلیعه

مجادله و مخاصمه و تخریب مباحثه و مذاکره و ترمیم!

فریدون مجلسی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

«انقلاب»؛ تغییری مسالمت‌آمیز و متعارف نیست. حقیقت این است که در ایران انقلاب شد! این انقلاب در سطوح گوناگون سیاسی و اجتماعی با شدت و خشم هم همراه بود. ازجمله روابط هوشمندانه و محافظه‌کارانه دیپلماتیک کشور نیز به تبعیت از شتاب‌های انقلابی از لحاظ انطباق با معیارهای کلاسیک دچار گسستی شد که زمان لازم بود تا نسلی دیگر و هرم سلسله‌مراتبی و هوشمند دیگری پدید آید و نحوه عملکرد و اداره و رفتار دیپلماتیک را به روال هوشمندانه بازگرداند. اختلافات ایران و غرب بر سر مساله هسته‌ای بیش از آنکه رنگ حقوقی داشته باشد رنگ سیاسی داشت. برخی شعارهای انقلابی، از سوی غرب جنگ‌طلبانه تلقی می‌شد و این توهم را می‌پروراند که اگر قرار باشد آن شعارهای جنگی تحقق یابد، لازمه‌اش داشتن تسلیحات سوزاننده از جمله بمب هسته‌ای است. غرب خواستار مذاکره شد و از قضا دوران‌هایی از این مذاکرات به زمان‌های فاصله‌گرفتن از آن گسست دیپلماتیک و به دوران اتخاذ رویکرد هوشمندانه بازمی‌گشت که همین آقای روحانی و کوتاه زمانی آقای لاریجانی کارگزار مذاکراتی موثر بودند.

هدف مذاکرات در آن دوره مشخص بود. ایران معتقد بود توهمات غرب سوءتفاهم است و در جهت رفع سوءتفاهم گام برمی‌داشتند و آقای جک استراو وزیر خارجه وقت انگلیس شغل خودش را بر سر دفاع از مواضع ایران گذاشت. آن مذاکرات بیش از یک‌بار به نتایج مثبتی هم نزدیک شد. منتها هنوز عناصر پرشور و پرشعار که تفاهم را تسلیم و تسلیم را مغایر غرور و غیرت و اینگونه دیدگاه‌ها تلقی می‌کردند، مانع پیمودن روند دیپلماتیک تا نیل به نتیجه نهایی شدند.

در همه انقلاب‌ها وقتی نسل کهن با تحمل دشواری‌ها و کسب تجربیات به راه و رسم هوشمندانه روی می‌آورد، معمولا نسل تازه‌ای از مدعیان -که جوان‌تر از سنین حضور و مشارکت جدی در انقلاب بوده‌اند- با دادن شعارهایی داغ‌تر از اصل و انقلابی‌تر از انقلابیون وارد میدان می‌شود! چنان که پدیداری دولت احمدی‌نژاد با امیدها و نویدهایی که فرودستان را به هیجان آورده بود، کارش را با تعطیل‌کردن فازهای امیدبخش پتروشیمی در عسلویه آغاز کرد، اعتباراتی را که می‌توانست صدهاهزار فرصت شغلی و میلیاردهادلار درآمد سالانه حاصل از تولید و فروش و صادرات ایجاد کند، صرف یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های توهمی زودبازده با نتیجه اتلاف صدهامیلیارددلار درآمد صادرات نفت کرد. انعکاس آن سیاست‌ها در گفت‌وگوهای ایران و غرب نیز متجلی شد. تیم جدید مذاکره‌کننده با عزمی راسخ در «عدم سازشکاری» غیرتمداری را در پاسخ منفی و انکار می‌پنداشت. رییس دولت بلندپرواز نیز با عنوان‌کردن و تکرار روزمره شعارهای تهدیدآمیز و تصریح بر تمایل به توسعه در سطح جهانی و در اختیارگرفتن مدیریت جهان بر ابهام‌های غربیان و سختگیری آنان و بالابردن سطح توقعات محدودکننده آنان می‌افزود. سرانجام آن مواضع موجب شد پرونده ایران به‌عنوان تهدیدی بر صلح و امنیت جهانی به شورای امنیت ارجاع شود. در آنجا نیز حتی روسیه و چین که از منزوی‌ماندن ایران میلیاردهادلار منتفع می‌شدند، رای بر محکومیت ایران و برقراری تحریم بین‌المللی دادند -که فقط یک مرحله پایین‌تر از تجویز دخالت نظامی در شرایط بسیار نادر است- در حالی که ایران به هیچ‌وجه در قالب چنان شرایطی نمی‌گنجید. آن قطعنامه در نوبت‌های دیگر نیز تکرار و تشدید شد و واکنش رییس‌جمهور این بود که آنها را مشتی کاغذپاره نامید و گفت: «آنقدر از این قطعنامه‌ها بگذارند که قطعنامه‌دانشان پاره شود» و طرفدارانشان با خشنودی خنده سردادند.

قطعنامه‌دان پاره نشد! تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اروپا نیز بر آن افزوده شد. دلالان جان گرفتند، دورزدن دلارهای نفتی توسط برخی و معیار محاسبه و لیاقت و توقع آنان را از میلیون‌ریال به میلیارددلار افزایش داد. در نهایت صندوقی تهی و جاروکشیده‌شده تحویل دولتی شد که به مردم کلید راهگشا نشان داد. گفت تحریم‌ها کاغذپاره نیست. درست است برای کسانی در کانادا و دوبی و اروپا کاخ و ثروت به ارمغان آورده، اما ملت را به زحمت انداخته است. مردم او را باور کردند و به او و کلیدش رای دادند. او نیز با شهامت و با وجود دشنام‌ها و بدسگالی‌های دوستان منتفع از سفره دورزدن نفت، کلید به‌دست به سازمان‌ملل رفت. روحانی در آنجا باب مذاکرات با غرب و آمریکا را گشود و آن سرآغازی شد برای تجدید احترام از دست‌رفته. رییس‌جمهور در عکس‌ها با احترام به میان جمع کشیده شد. وزیرش با دیپلماسی جمعی و آبرومندانه و با دیپلماسی ژورنالیستی و با زبان‌دانی، سواد و رویکرد عقلانی توانست در شرایط برابر گفتمانی معقول را با هدف و زمان‌بندی مشخص آغاز کند و پنجره‌هایی را برای راه نفس اقتصاد ایران بگشاید و بخشی از دلارهای محبوس ایران را آزاد کند. دیپلماسی دولت جدید تلاش کرد قسمتی از محدودیت‌ها را رفع کند و به سوی متعارف‌شدن روابط خارجی ایران قدم بردارد. متعارف‌شدن یعنی دولتی که خودش را دولت و مسوول می‌داند، خودش را پوزیسیون و کارگردان می‌داند و در جایگاه اپوزیسیون جهان قرار نمی‌گیرد. یعنی می‌داند ایران نیز با عظمتی درخور مکان و مساحت و جمعیت و منابع خود باید جایگاهی در شأن خود بیابد. گرچه دوره مذاکرات شش‌ماهه تعیین شد، اما انباشت مشکلات و مسایل در حدی بود که شش‌ماه چاره‌ساز آن نبود؛ خصوصا آنکه در آغاز و پس از سالیان مذاکرات گنگ که سوءتفاهمات به بار آورده بود، برای مباحثه و مذاکره و ترمیم باید مقدماتی فراهم و حسن‌ظن طرف‌های مذاکره جلب می‌شد.

ادامه در صفحه ۹